

وحیدنیا

نشریات

ادبی

ایران

تاریخ

«۳»

ادیب الممالک مانند اغلب نویسندگان و شعرا و جریده نگاران امروز
از وضع خود و روزنامه اش گله و شکایت داشته و حال خود را در
قصیده ای چنین بیان کرده است :

خدایگان من از حال بنده بی خبری

که بر تنم چه رسد از غم زمانه همی

زغره رجب الفرد تا کنون شب و روز

به پیش تیر بلا شد تنم نشانه همی

زمانه بسکه زافلاس و فقر و نوبه و تب

نواخت بر سر من چوب و تازیانه همی

دلم سراچه غم شد چنانکه پنداری

که مرغ غم بدلم بسته آشیانه همی

ز سوئی آتش تب در جگر زد دیگر سوی
 غم زمانه زند بز دلم زبانه همی
 هزار مرتبه عازم شدم که دریابم
 شفای عاجل از آن فرخ آستانه همی
 بجای آنکه جدا بودم از درت چندی
 بیابم از درت اقبال جاودانه همی
 بشیر چرخ کنم آن معاملات که نمود
 بشیر بادیه بشربن بو عوانه همی
 رمق به پیکرم اندر نبود آن مقدار
 که یک قدم سوی بیرون نهم ز خانه همی
 چنان شدم ز نقاقت که گاه جنبش و سیر
 ز تن جدا شوم استخوان شانه همی
 ز روزنامه چه گویم که قدر خامه من
 از او شکسته بذات حق یگانه همی
 مرا فکنده به بحری که هر چه مینگرم
 پدید نیست در آن ساحل و کرانه همی
 نه قابلم به کرامات و فضل ملتیان
 نه شاملم شود الطاف خسروانه همی
 حقوق نه مهت این اداره همچو جنین
 بمانده در رحم مادر خزانسه همی
 چگونه طبع توان کردن این جریده بوقت
 که ماهیانه آن گشته سالیانه همی

عجب تر آنکه ندانم پس از سه ماه دگر
 مرا دهند حقوق گذشته یا نه همی
 حکایت من و این روز نامه چون مرغی است
 که او فتاده بدام از هوای دانه همی
 سرود نظم من اندر سماع اهل خرد
 نکوتر است ز چنگ و می و چغانه همی
 به زر خرنند حدیثم ز جعد و هزل اگر
 بود ز حکمت و تاریخ یا فسانه همی
 ولی چه سود که کس در زمانه بایک دشت
 گرفت نتوان هرگز دو هندوانه همی
 از این ره است که زلف عروس فکرت من
 ز دست روز سیاه و غم شبانه همی
 چنان شده است پریشان که هیچ مشاطه
 نمیتواندش آراستن به شانه همی
 بود گواه من این نامه کش بخون جگرشانی و مطالعات فریبگی
 نیشته ساختمش بردرت روانه همی
 برای آنکه ز نم بوسه در گهت شب و روز
 ز فضل و رحمت تو جویم استعانه همی
 کنون سزدگه سپاس تو را ادا سازم
 به کلک روشن و گفتار صادقانه همی

زیسکه در پی آن با خزانه دار عنود
 کنم فروتنی و عجز و استعانه همی
 بجای ذکر خدا از زبان من شب و روز
 شده است (بالو لویاشیندلر) (۱) ترانه همی
 چونام رسمیت آزادیش گرفته بطبع
 کسی نمیخرد او را به نیم آنه همی
 وز آن سبب که هواخواه دولت است کسی
 مساعدت نکند با وی از اعانه همی

کمان شکزم تیر دعا زند بهدف
 اگر چه نیست جز این سهم در کتانه همی
 چنانکه خاطر ما از تو جاودان شاد است
 خدای بر تو دهد عمر جاودانه همی

مقارن با انتشار روزنامه ادب انجمنی بنام انجمن معارف در
 تهران تشکیل میشود و اعضاء نشریه ای نیز بنام معارف منتشر میسازند.
 ریاست عالی انجمن معارف را مظفرالدین شاه قبول کرده و
 نیر الملك وزیر علوم بنمابندگی از طرف شاه اداره انجمن را بعهده
 داشته است.

در شماره اول نشریه معارف که در تاریخ اول ماه شعبان ۱۳۱۶
 منتشر شده نوشته شده است:

« بسم الله الرحمن الرحيم - چون بفضل الله المتعال و به یمن

۱- لولو و شیندلر دو خزانه دار بلژیکی در آن زمان بوده اند.

اقبال بی زوال بندگان اعلیٰ حضرت اقدس همایون شاهنشاه ظل الله اسلامیان پناه مظفر الدین شاه قاجار خلد الله ملک و ابدا جیشه اجزاء انجمن معارف در ایجاد مدارس و مکاتب ملیه مظفریه که بهترین وسیله برای ترقی دین و دولت و بزرگترین سرمایه برای تربیت ابنای ملت است بر طبق نیات مقدسه همایونی به مقصود خود نایل شده و در این قلیل مدت چند مدرسه منظمه جدیده با ترتیبات لازمه ایجاد و دایر کرده و باز هم در خیال ایجاد و تأسیس مدارس و مکاتب عدیده دیگر چه در دار الخلافه تهران و چه در سایر بلدان ایران هستند لهذا آراء اعضاء انجمن معارف بر این قرار گرفت که یک روزنامه مخصوص دایر بترتیبات و تنظیمات مدارس و مکاتب ملیه و مطالب راجعه بآنها و مفید بحال عامه ایجاد و منتشر سازند تا هم عموم عقلای مملکت و هوשמندان ملت که بالطبع فی نفس الامر از اعضاء این انجمن و از وضع و ترتیبات مدارس و مکاتب جدیده کاملاً مستحضر شده و هم غیر تمندان ملت و هوשמندان مملکت خیالات عالیه و افکار مفیده خود را از دور و نزدیک نوشته باین مجلس ارسال و القا دارند که در صحایف این روزنامه درج و منتشر شده و عموم اهالی مملکت از آن مطلع و منتفع گردند.

بنابراین پس از تحصیل اجازه و امتیاز مخصوص از طرف قرین الشرف همایونی به مبارکی و میمنت به ترتیب و انتشار این روزنامه اقدام کرده و آنرا موسوم به روزنامه «معارف» نمود و بعد از این ماهی دو نمره از آن به طبع خواهد رسید. ان شاء الله تعالی و هر نوع نوشتجات راجع بامور مکاتب و مدارس ملیه و مفید بحال عامه که باین اداره برسد در صورتیکه منافی بادین و مخالف بادولت نباشد پذیرفته و مجاناً طبع خواهد شد ولی مخصوصاً اجزای این مجلس محترم خواهش میکنند که نوشتجاتی

را که برای مندرج شدن در این روزنامه میفرستند بکلی خالی از اغلاقات لفظیه و اغراقات معنویه و تملقات رسمیه باشد تا همه کس از خواص و عوام منتفع از آن توانند شد و در ذکر اسامی اعظام و اعیان هر طبقه هم از ایراد عنوانات زائده و تکلفات فائقه بکلی محترز باشند زیرا که اجزای معارف نیز همین شیوه مرضیه را معمول خواهند داشت .

این نشریه همانطور که گفته شد هر دو هفته یکبار منتشر میشده و اداره آن بعهدده مفتاح الملك بوده است و گویا جمعاً ۷۲ شماره از آن منتشر شده است .

چند سال بعد یعنی در سال ۱۳۲۴ ه. ق. نشریه دیگری بهمین نام و بمدیریت شیخ محمد علی بهجت دزفولی در تهران تأسیس و انتشار یافته است . مرحوم بهجت دزفولی قبل از نشر مجله معارف (در سال ۱۳۲۱ هجری قمری) اقدام بتأسیس انجمنی بنام «انجمن علمی» و بعد «انجمن معارف» کرده و بعضی کتب کلاسیک و نشریاتی از قبیل «دعوت الحق» را توسط این انجمن بچاپ رسانیده است .

ناگفته نماند که قبل از نشر مجله معارف بتوسط بهجت دزفولی در سال ۱۳۲۰ ه. ق. در تبریز مجله گنجینه فنون به مدیریت محمد علی تربیت و با کمک و معاضدت سید حسن تقی زاده و اعتصام الملك چاپ میشده است .

شماره اول این مجله در اول ذی قعدة سال ۱۳۲۰ در تبریز هر نیم ماه یکبار طبع و توزیع میشده و بمدت یکسال انتشار یافته است . پس از آن تربیت در سال ۱۳۴۱ ه. ق. به نشر مجله گنجینه معارف پرداخته است (شماره اول این مجله در ماه عقرب ۱۳۰۱ برابر ۲۴ اکتبر ۱۹۲۲ میلادی در تبریز منتشر شده است) و این مجله نیز پس از چاپ شماره هشتم تعطیل شده است . (ادامه دارد)